

# دوری خاورمیانه از جنگ و ورود امریکا به تنشهای داخلی

## روند غالب جهان در سال 2022 به روایت مرکز تضارب افکار GPF

در سال 2022 توافق هسته‌ای میان ایران و غرب رقم خواهد خورد



آرمین منتظری

زمانی وینستون چرچیل گفته بود: «هر قدر عمیق‌تر به گذشته نگاه کنید، می‌توانید آینده دورتری را ببینید.» پیش‌بینی آینده بر اساس درک از تاریخ گذشته، امروز هم به اندازه زمان چرچیل حایز اهمیت است. بنگاه تضارب افکار GPF بر همین اساس تلاش کرده پیش‌بینی از تحولات سال 2022 به دست دهد. در نوشتاری که پیش‌رو دارید تلاش شده تحولاتی که سال 2022 را شکل خواهند داد، پیش‌بینی شوند. تحولاتی نظیر تاثیرات اقتصادی همه‌گیری ویروس کرونا، تحولات مربوط به کشورهای امریکا، روسیه، چین و اتحادیه اروپا.

در سال 2020، اقتصاد جهانی به واسطه شیوع ویروس کرونا به تدریج به سمت رکود پیش رفت. شغل‌ها از بین رفتند، برخی حوزه‌های اقتصادی تعطیل شدند و زنجیره جهانی تامین کالا به واسطه اخلاص در حمل و نقل بین‌المللی دچار نقص شد. البته این مشکلات خیلی فاجعه‌بار نبودند. اما به نظر می‌رسند که دو صنعت در این میان با خطراتی جدی مواجه هستند و احتمالاً مشکلات آنها ادامه خواهد داشت. نخستین صنعت، کشاورزی است. طی دو سال اخیر، کمبودهایی در تولید گاز طبیعی وجود داشته است و گاز طبیعی یک جزو اساسی برای تولید کودهای کشاورزی محسوب می‌شوند و بدون کودهای شیمیایی صنعت کشاورزی قادر به تولید نیست. بنابراین یکی از احتمالات در سال آینده میلادی کمبود جهانی کودهای شیمیایی و نقصان در تولیدات کشاورزی در سطح جهانی است. در

نتیجه احتمال بروز بحران غذا در سراسر جهان وجود دارد. خطر بعدی برای صنعت کشتیرانی و به خصوص مسیرهای کشتیرانی در آبهای ترانسپاسیفیک است. آمریکا و اروپا بسیاری از کالاهای دارویی خود را از آسیا وارد می‌کنند. آسیب وارد آمده به زنجیره تامین آنقدر زیاد بوده که آمریکا هنوز هم با کمبود دارو مواجه است. بعید است که این کمبود را بتوان از منابع دیگر جبران کرد. بنابراین این احتمال وجود دارد که در سال 2022 این کمبود بیشتر خودش را نشان بدهد.

## چین

چین به قدرتی تبدیل شده که جهان را تکان داده است. اما طی سالهای اخیر رشد اقتصادی چین به واسطه وابستگی زیاد از حدش به مسیرهای تجاری و همچنین تکیه غیرمنطقی به بدهیها خارجی، محدود شده است. مسائل اجتماعی نیز باعث نگرانی چین شده است. نابرابری اقتصادی گسترده بین جمعیت فقیر مرکزی و جمعیت ساحلی چین بیش از حد انتظار است. بنابراین چین سال آینده را صرف بازسازی اقتصادی و نظام مالی خود خواهد کرد آن هم به گونه‌ای که منجر به ناآرامیهای اجتماعی به حزب کمونیست را تهدید کند، نشود. بنابراین مهم‌ترین خطر برای چین در سال آینده از داخل این کشور خواهد بود. اقتصاد چین باید رشد داشته باشد اما این رشد باید برابر باشد. بنابراین مهم‌ترین چالش شی جین پینگ رشد اقتصادی همزمان با توزیع متناسب برخورداری اقتصادی است. برای تحقق این هدف چین باید همچنان مسیرهای دریایی تجاری را در اختیار داشته باشد، اما این مسیرها در کنار کشورهای نظیر ژاپن، تایوان، فیلیپین، اندونزی، ویتنام، سنگاپور و استرالیا می‌گذرند و همه این کشورها به پکن بی‌اعتماد هستند و چین در این منطقه یک متحد واقعی هم ندارد. حتی اگر یکی از این مسیرهای دریایی به روی چین بسته شود، اقتصادش با مشکل مواجه خواهد شد. حمله چین برای باز کردن این مسیرها بسیار خطرناک است و چین را در معرض تهدید درگیر شدن در یک جنگ همه‌جانبه قرار خواهد داد. البته چشمانداز جنگ در این منطقه طی ماه‌های اخیر از میان رفته است، اما چین همچنان به لحاظ نظامی هوشیار خواهد ماند.

پیش‌بینی:

- جنگ میان آمریکا و چین در سال 2022 منتفی است.
- سال 2022 سالی خواهد بود که چین برای نخستین بار با ناکارآمدی اقتصادی مواجه خواهد شد.
- چین در این سال از تاکتیک‌های سرکوب برای کنترل نظام‌های اجتماعی و اقتصادی داخلی استفاده خواهد کرد.

- چین از دخالت شدید در تحولات بین‌المللی خودداری خواهد کرد. هر زمان هم که دخالت کند، به لحاظ اقتصادی خواهد بود نه نظامی.

### روسیه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی موجب شد که روسیه مناطق حائل خود را از دست بدهد. اوکراین و بلاروس جزو مهم‌ترین کشورهای بودند که از مدار کنترل روسیه خارج شدند. اهمیت این دو کشور از آن جهت است که در حاشیه دشتهای اروپا واقع شده‌اند. جایی که اروپایی‌ها بارها با استفاده از آن به روسیه حمله کرده‌اند. چالش دیگر روسیه بهبود اقتصاد است. زمانی روسیه فقیر بود، اما امنیت داشت ولی امروز این کشور فقیر و در عین حال ضعیف هم هست. اگر روسیه بخواهد هم روابط تجاری‌اش با اروپا را بهبود ببخشد و هم مناطق حائل خود را بار دیگر تحت کنترل بگیرد، خطراتی در پی خواهد داشت و مهم‌ترین خطر در این میان، بروز تنش‌های داخلی است. مسکو توسط اولیگارشی‌های اداریه می‌شود که تمایلی ندارند سرمایه خود را براساس مدل‌های اروپایی مدیریت کنند. بنابراین احتمالاً روسیه سعی خواهد کرد در سال 2022، با استفاده از اهرم تهدید و استفاده از دیپلماسی به عنوان یک رهیافت برای برطرف کردن نیازهایش دست به اقدام بزند. احتمالاً مسکو موفق خواهد شد که کنترل مناطق حائل خود را دوباره به دست بگیرد، اما در استفاده از ابزارهای اقتصادی و ایجاد روابط جدید با مناطق حائل خود به مشکل برخورد خواهد کرد.

پیش‌بینی:

- روسیه همچنان به انجام اقدامات مخفیانه و عملیات‌های غیرنظامی برای تسلط و حفظ آن بر مناطق حائل خود ادامه خواهد داد.  
- این اقدامات موجبات خشم آمریکا و اروپا را فراهم خواهد آورد.

- روسیه در سال 2022 موفق نخواهد شد اقتصاد خود را مدرن کند، چرا که در عرصه‌های مختلف مشغولیت خواهد داشت.

### اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا براساس برابری ملیتی تاسیس شد، اما در طول زمان، آلمان، به عنوان قدرتمندترین کشور عضو این اتحادیه سر برآورد. نگرانی کشورهای عضو اتحادیه از نفوذ و تاثیرگذاری سیاسی و فرهنگی آلمان بر نرم‌های خود افزایش یافت. این آلمان بود که راه‌حلهای اقتصادی و اجتماعی را تحمیل می‌کرد. در نهایت این نیازهای آلمان بود که به بن‌مایه طرح‌های اتحادیه اروپا تبدیل می‌شد. این روند باعث شکل گرفتن برگزیت شد. یک تغییر ژئوپلیتیک عمیق در اروپا در

حال وقوع است که در چارچوب آن، بحث از منافع اروپا به بحث در مورد منافع ملی تبدیل میشود. آنچه مسلم است، این که شهروندان از دولتهای خود میخواهند آنها را در اولویت قرار بدهند و دولتها از خواست مردم تبعیت کنند. اگر مشکل زنجیره تامین تشدید شود، تنشهایی که از قبل شاهد شکلگیری آن هستیم، میتواند اتحادیه را از هم بپاشد. علاوه بر این، بدیهی است که شمال اروپا به ساختاری نیاز دارد تا جایگزین ایالات متحده شود، بنابراین در حالی که اتحادیه اروپا متلاشی، یک اتحاد نظامی محدود اروپایی پدیدار خواهد شد و درازمدت توسعه خواهد یافت.

پیشبینی:

- شکافهای اقتصادی پیشین با اختلال در زنجیره تامین کالا بیشتر خواهد شد. اروپا با مرکزیت آلمان به اروپایی بدون مرکز مشخص تبدیل خواهد شد.

- شکلگیری نوعی نیروی نظامی اروپایی مرتبط با ناتو، عاملی است که اروپا را تا حدی که اتحادش را حفظ کند، در کنار هم نگه میدارد.  
- فرانسه در سال 2022 به عنوان نیروی برتر اروپا و حافظ اتحاد این قاره مطرح خواهد شد. بریتانیا به ساختارهای قدیمی اروپایی خود بازخواهد گشت. ژئوپلیتیک سنتی اروپا بار دیگر ظهور مییابد و دوران پس از جنگ سرد را از سر خواهد گذراند.

## ایالات متحده امریکا

ایالات متحده تنها قدرت جهانی در نیمکره غربی است. این کشور دارای طیف وسیعی از تواناییهای اقتصادی، نظامی و اطلاعاتی است تا اطمینان حاصل کند که همسایگانش منافعش را تهدید نمیکنند. ایالات متحده از حملات زمینی در امان است، زیرا تنها کشورهای اروپایی که با آن مرز زمینی دارد - مکزیك و کانادا - نه علاقه مندند و نه قادر به جنگ با آن هستند. از اینرو پس از به دست گرفتن کنترل اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام در جنگ جهانی دوم، منافع اساسی امریکا در محافظت از اقیانوسها در برابر رقبای خود نهفته است. هر دو جنگ جهانی و جنگ سرد حول این منافع استراتژیک شکل گرفتند. امریکای امروزی را نیز باید از دریچه همین نگاه، نگریست. امریکا درباره تحولات داخلی اروپا کمتر نگرانی دارد و بیشتر نگران تحرکات روسیه است. اگر الزامات اولیه واشنگتن با مرزهای زمینی و اقیانوس اطلس محقق شود، اقیانوس آرام را ترك خواهد کرد. بنابراین، ضرورت اصلی امریکا در سال 2022 حفظ کنترل اقیانوس آرام است تا چین نتواند آن را به چالش بکشد. این امر ایالات متحده را مستقیماً در تضاد با منافع اساسی چین برای تضمین دسترسی به اقیانوسهای جهان برای حفظ اقتصاد

خود قرار می‌دهد. پکن نمی‌تواند تسلط خارجی بر دریای چین جنوبی را تحمل کند و اگر غیاب آمریکا در این منطقه به چین اجازه دهد و بر اقیانوس آرام تسلط یابد، آمریکا هرگز این منطقه را ترک نخواهد کرد. این بدان معناست که ایالات متحده استراتژی حفظ روابط با یک رشته از کشورهای شرق چین را ادامه خواهد داد. کشورهای نظیر ژاپن، تایوان، فیلیپین، اندونزی، ویتنام و سنگاپور اهداف آمریکا در سال 2022 خواهند بود و ابزارهایی برای کنترل بیشتر چین. متحد مهم خارج از این زنجیره، استرالیا است که بخشی از خط دریای چین جنوبی نیست، اما با این وجود برای کنترل اقیانوس آرام حیاتی است. اتحاد ایالات متحده با استرالیا یک اتحاد طولانی است.

اگرچه ممکن است تصویری که از تحولات داخلی آمریکا در خارج آرایه می‌شود، بد باشد، اما وضعیت ایالات متحده در داخل آنقدرها هم بد نیست. آمریکا در سال 2010 وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی شد که کم و بیش به دلیل مسائل مربوط به سلامت مالی، نژادپرستی، تمایزات و ارزشهای اجتماعی، رکود اقتصادی و بحران عدم اعتماد به طبقه حاکم ادامه یافته است. همه اینها با همه‌گیری ویروس کرونا تشدید شد و جامعه آمریکا را دوقطبی‌تر و اقتصاد را با مشکل مواجه کرد. خوب یا بد، این مسائل اساساً مانع از اجرای سیاست خارجی آمریکا به روال معمول نخواهد شد.

پیش‌بینی:

- آمریکا وارد دوره‌ای از تنشها و بی‌نظمی‌های داخلی خواهد شد که حداقل تا 10 سال یا بیشتر ادامه خواهد یافت.
- این بحران هیچ تاثیری بر سیاست خارجی آمریکا نخواهد گذاشت حتی اگر این طور به نظر بیاید.
- منافع آمریکا در غرب اقیانوس آرام اهمیت بیشتر خواهند یافت. چین همچنان به دوری از درگیری از با آمریکا ادامه خواهد داد و آمریکا هم به تهدیدات چین پاسخی نخواهد داد.
- آمریکا با نیم‌نگاهی به روسیه سعی خواهد کرد با الزام و حس ضرورت بیشتر ناتو را بازسازی کند. چه اروپا بخواهد و چه نخواهد.

## خاورمیانه

خاورمیانه مثل همیشه آشفته است، اما مسائل سیاسی آن، هر چند حل نشده، اهمیت جهانی خود را در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است از دست داده است. توافق سال 2020 آبراهام بین اسرائیل و امارات متحده عربی، این انتظار را افزایش داد که عربستان سعودی نیز به زودی با اسرائیل صلح کند. ملک سلمان مخالفت کرد اما به بحرین، کشوری که به حمایت عربستان وابسته است، اجازه داد تا توافقنامه

خود با اسرائیل را امضا کند. اگرچه رویکرد عربستان سعودی به توسعه اقتصادی و اجتماعی با در نظر گرفتن تمایلات محمد بن سلمان شدت یافته اما سیاست خارجی سعودی‌ها همچنان محتاطانه و محافظه‌کارانه است. ریاض متوجه شده که صلح با اسرائیل هیچ تاثیر ملموسی بر مهار قدرت منطقه‌ای ایران و محدود کردن قدرت نظامی و گستره برنامه هسته‌ای این کشور نخواهد داشت. ریاض همچنین به این نتیجه رسیده که واکنش به سیاست‌های منطقه‌ای ایران باید از طریق مذاکرات هسته‌ای وین و زیر نظر ایالات متحده نهفته انجام شود نه از طریق توافق با اسرائیل. برخلاف سعودی‌ها که امکان صلح با اسرائیل را وسیله‌ای برای توقف سیاست توسعه‌طلبانه تهران می‌دانند، اماراتی‌ها توافق آبراهام را برای محافظت از خود در برابر ایران امضا نکردند؛ آنها این توافق را به عنوان ابزاری برای حفظ مزیت نسبی در مقابل ایران امضا کردند. رهبران امارات بر این باورند که وابستگی به فناوری پیشرفته اسرائیل به آنها این امکان را می‌دهد که در مقابل رقبای آینده، برتری اقتصادی خود را حفظ کنند. در واقع این عوامل اقتصادی است که آینده خاورمیانه را شکل خواهد داد نه تهدیدات اسرائیل برای حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران. ابوظبی اخیراً پس از يك دهه خصومت، روابط خود با ترکیه را نیز عادی کرد و متعهد شد 10 میلیارد دلار در آنجا سرمایه‌گذاری کند. علاوه بر این، امارات روابط اقتصادی قوی با چین دارد. بازگشایی مسیر تجاری 6 هزار و 400 کیلومتری که اسلام‌آباد و استانبول را از طریق تهران به هم متصل می‌کند، نشان‌دهنده يك روند در حال ظهور در روابط خاورمیانه است که بر همکاری اقتصادی متمرکز است، نه جنگ. لفاظی‌های گوشخراش و مانورهای نظامی بزرگ، به ویژه مانور دریایی اخیر در دریای سرخ که کشتی‌های ایالات متحده، اسرائیل، امارات متحده عربی و بحرین در آن شرکت داشتند کمتر تنش‌ساز هستند و بیشتر این را یادآوری می‌کنند که در مذاکرات وین منعطف‌تر شوند. ایران هم خسته از درگیری و تشدید ناآرامی‌های داخلی، خواهان صلح است، نه جنگ. گذار خاورمیانه از رویارویی به همکاری زمان می‌برد اما مسیر، تنها مسیر پیشرو است.

پیش‌بینی:

- مذاکرات هسته‌ای در وین به توافق ختم خواهد شد. نیروهای هوایی اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران حمله نخواهند کرد.
- بحران سقوط ارزش واحد پول ترکیه تشدید خواهد شد.

## امریکای لاتین

همه‌گیری کووید-19 به امریکای لاتین بیش از دیگر مناطق جهان آسیب

رساند. این منطقه کمی بیش از 8 درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، اما تا پایان سال 2021، تقریباً 18 درصد موارد تایید شده ابتلا در سراسر جهان و 30 درصد از مرگ و میرها را در خود داشت. زیرساخت‌های بهداشتی ضعیف، در دسترس نبودن واکسن کافی و ناتوانی جمعیت کار این قاره برای کار آنلاین، عامل ویرانی این منطقه شد. یكسوم مشاغل ثبت شده از دست رفته در سطح جهان مربوط به امریکای لاتین بود و میانگین از دست دادن درآمد منطقه‌ای در این قاره، دو برابر میانگین جهانی بود. تورم در پنج اقتصاد بزرگ منطقه نیز از متوسط نرخ تورم اقتصادهای نوظهور پیشی گرفت. جای تعجب نیست که فقر در این قاره، در بالاترین سطح ۱۲ سال گذشته و فقر شدید در بالاترین حد در ۲۰ سال اخیر قرار دارد. دستاوردهای اقتصادی و توسعه‌ای دهه گذشته در دو سال گذشته از بین رفته است. صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سایر نهادها معتقدند که امریکای جنوبی حداقل تا سال‌های 2023-2024 به سطح اقتصادی قبل از همه‌گیری نخواهد رسید.

درست در چنین شرایطی ایالات متحده در حال تعامل مجدد با کشورهای این منطقه است. پس از جنگ سرد، واشنگتن قدرت بلامنازع در نیمکره غربی بود. هیچ کشور دیگری در منطقه تحرك قابل توجهی انجام نداد. این روند اکنون در حال تغییر است. موج مهاجرت، ابتکارات اقتصادی و پیشرفت‌های اقتصادی چین و روسیه در امریکای لاتین منطقه، ایالات متحده را مجبور کرده که توجه بیشتری به امریکای لاتین داشته باشد. این روند، کشورهای امریکای لاتین را وادار می‌کند که بین قدرت‌های اقتصادی که وارد منطقه می‌شوند دست به انتخاب بزنند تا امتیاز بیشتری به دست آورند.

پیش‌بینی:

- ایالات متحده برای حفظ نفوذ خود در امریکای لاتین به تلاش‌های بخش‌های دولتی و خصوصی تکیه خواهد کرد. امریکا همچنین از تعاملات اقتصادی کشورهای متحدش مانند ژاپن یا کره جنوبی با کشورهای امریکای لاتین استقبال خواهد کرد.

- کشورهای امریکای لاتین به‌طور فزاینده‌ای از تلاش‌های جمعی برای تعامل با قدرت‌های خارجی دور شده و هر کدام سعی خواهند کرد به صورت انفرادی دست به اقدام بزنند.

منبع: روزنامه اعتماد 2 بهمن 1400 خورشیدی